پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۲۹ـ۲۴۷ (مقاله پژوهشی)

No. 40, Spring & Summer 2020

واکاوی معجزه، اعجاز قرآن و وجوه آن از دیدگاه فناری

مریم مهدی‌پناه[۱]، هادی نصیری[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۳۱ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۹)

چکیده

مساله اعجاز از مباحث حایز اهمیت قرآن است که از نیمه دوم قرن دوم آغاز شده و تا قرن هشتم به حد کاملی از رشد و بالندگی رسید. یکی از شخصیت‌های ممتاز علوم تفسیر و معانی قرآن که این مهم را مورد بررسی و تدقیق قرار داده فناری است. شمس‌الدین فناری صاحب تفسیر عین الاعیان با رویکرد عرفانی است. به نظر ایشان معجزه امر خارق‌العاده‌ای است که همراه با تحدی باشد بدون اینکه با آن معارضه شود و با کرامت وارهاص فرق دارد. فناری در تفسیر خود در مورد اعجاز نسبت به علمای قبل از خود دو رویکرد جدید دارد: نخست اعجازی که متعلق به خود قرآن است و دوم اعجازی که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت دستاوردهای حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که فناری علاوه بر هم‌نظر بودن با سایر علماء در زمینه اعجاز؛ دارای نظرات و اندیشه‌های تازه‌ای نیز بوده است که بارزترین آن تحلیل کاملاً عرفانی از مقامات پیامبر اسلام(ص) و قدرت ایشان بر ارائه معجزه و نیز تحلیل ماهیت نظم با مؤلفه‌های پنج‌گانه آن است.

کلید واژه‌ها: *فناری، تفسیر عین الاعیان، اعجاز قرآن، وجوه اعجاز، صرفه.*

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)؛ m.mahdipanah53@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

۱- بیان مسئله

گرچه طی قرون نخستین، نظریه روشنی در باب «اعجاز قرآن» بیان نشده است اما از اوایل قرن سوم به معنای این واژه به مفهوم «ناتوانی بشر در هماوردی قرآن» در کتب اسلامی (جاحظ، ۲۵۵م)، سخن رفته است. پیش از پایان این قرن این واژه به یک اصطلاح علمی بدل شد که همواره عالمان اسلامی در بیان وجوه و الزامات آن اختلافاتی داشته و نظریات گوناگونی ارائه نموده‌اند.

به نظر می‌رسد این موضوع علی‌رغم ظهور دیرهنگام در عرصه علوم قرآنی، در تطور خود تا قرن دهم هجری در آثار متعددی از جمله تفسیر «عین الاعیان» علامه شمس‌الدین فناری به کمال و بالندگی خود رسیده است. فناری که از علمای برجسته قرن نهم هجری است تفسیری از سوره فاتحه الکتاب دارد که حاجی خلیفه در مورد آن آورده است: «لابد لطالب علم التفسیر ان یعلم ما فی هذا التفسیر اولا لیکون علی بصیرة من علمه» (حاجی خلیفه، ۴۵۵/۱) مقدمه تفسیر وی شامل مطالبی ارزشمند در مورد علوم قرآن است.

گرچه این تفسیر تا به امروز در حد یک نسخه خطی باقی مانده است، اما پس از تلاش بسیار در باب احیاء و تصحیح این نسخه به مطالب ارزشمندی در باب اعجاز از دیدگاه فناری دست یافته شده که به تحلیل و بیان این موضوع پرداخته شده است. علماء از دیدگاه شمس الدین فناری در باب اعجاز استفاده نموده‌اند. علاوه براینکه شناخت ماهیت اعجاز و وجوه آن از دغدغه‌های همیشگی دانشمندان اسلامی بوده است، اعجاز از نظر شمس الدین فناری نیز مورد واکاوی قرارداده شده است.

این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی ـ تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سؤالات است که: معجزه چه ماهیتی دارد؟ دیدگاه فناری در مورد اعجاز قرآن چه بوده و او به کدام یک از وجوه گوناگون اعجاز معتقد بوده است؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

۲- مقدمه: فناری، جایگاه علمی و عین‌الاذهان

در این قسمت به معرفی شخصیت علمی فناری و کتاب عین الاعیان پرداخته می‌شود.

۲-۱. فناری و شخصیت علمی

به جهت پاسخ‌گویی به سوالات این پژوهش پیش از ورود به بحث اصلی مقاله، زندگی فناری و برخی از آثار او به اختصار و اجمال مرور می شود تا از این رهگذر اهمیت پرداختن به دیدگاه‌های او روشن گردد.

فناری محمد بن حمزه بن محمد بن محمد، رومی حنفی، ملقّب به شمس‌الدین، معروف به فناری و ابن الفناری و علامه فناری، از اکابر علمای عثمانی قرن نهم هجری می باشد که در معانی و بیان و قرائات و هیئت و تمامی علوم متداوله یگانهٔ عصر خود بود. وی در صفر ۷۵۱ هـ‌ق چشم به جهان گشود و در سال ۸۳۴ هـ‌ق در سن ۸۴ سالگی فوت کرد.

شمس الدین فناری در اطّلاع و احاطه به تمامی علوم عقلیه و نقلیه و عربی در عصر خود بی نظیر بود و در نزد سلطان بایزید خان (۷۹۱- ۸۰۴ هـ‌ق) و چلبی سلطان محمد خان (۸۱۶- ۸۲۴ هـ‌ق) و دیگر سلاطین وقت بسیار محترم و غالبا در امور دولتی نیز محل استشاره بوده و در امورات شرعیه اهتمام تمام بکار می‌برد. به قولی او نخستین کسی است که در آن زمان به مرتبه شیخ الاسلامی نایل گردیده است (طاشکبری زاده، ۱۷/۱)

شهرت علمی ابن فناری در زمینه عرفان نظری است. وی علم عرفان نظری را به درجه‌ای رساند که حتی کسانی که واجد شهود عرفانی نیستند نیز بتوانند در مورد مبانی آن تحقیق کرده و آثار علمی به هم زنند. از بررسی آثار وی بر می‌آید که به ظاهر، او دارای مکاشفه و شهود عرفانی نبوده است. (یزدان پناه، ۵۰)

فناری آثار گوناگونی دارد که برخی از آنها عبارتند از "فصول البدائع فی أصول الشرائع" که در مورد اصول فقه بوده و فناری در آن کتب "اصول بزدوی"، "المحصول امام رازی"، شرح مختصر الاصول ابن حاجب" را جمع‌آوری کرده و سی سال نوشتن آن به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

طول انجامیده است. افزون بر آن کتاب "عویصات الافکار فی اختبار اولی الابصار" که حاوی چندین مسئله از فنون عقلیه است به عنوان یکی دیگر از آثار فناری شناخته می‌شود. کتاب دیگر وی " الفوائد الفنارية" که همان شرح "ایساغوجی" در منطق است و ایساغوجی رساله اثیر الدین ابهری است. همچنین کتاب "مصباح الانس بین المعقول و المشهود فی شرح مفتاح الغیب الجمع و الوجود" از آثار فناری است؛ این کتاب قرن‌ها کتاب درسی حوزه‌های عرفانی بوده است (امینی‌نژاد، ۱۹۱). لازم به ذکر است که اگرچه نگارش کتاب "انموزج العلوم" به ابن فناری نسبت داده شده اما تردیدهایی در این زمینه وجود دارد که پرداختن به آن خارج از مجال این پژوهش است.

۲-۲. معرفی کتاب عین الاعیان

تفسیر "عین الاعیان فی تفسیر القرآن"، که تفسیر سوره فاتحه الکتاب است و تفسیری عرفانی از سوره حمد می‌باشد، چهار مقدمه دارد، با عناوین: تعریف تفسیر، وجه حاجت به تفسیر، موضوع تفسیر و علومی که تفسیر از آن استفاده می‌کند. ایجاد همزبانی بین فلسفه و عرفان از اهداف اصلی ابن فناری است، او سعی دارد تا مطالب را به صورت استدلالی و در قالبی منطقی یا دست کم قابل پذیرش فیلسوفان ارائه دهد (یزدان پناه، ۵۰). یک نسخه خطی از عین الاعیان در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. با جستجو در کتابخانه‌های ترکیه واستانبول به یازده نسخه دیگر از این نسخه دسترسی یافتیم و بعد از این که نسخه خطی احیاء و تصحیح گردید،[۱] با اعتقاد به این که این اثر نیز همچون آثار دیگر شمس الدین فناری اهمیت ویژه‌ای دارد، درواکاوی بخش علوم قرآن این اثر مطالبی قابل تأمل یافتیم که دلیل انجام این پژوهه گردید.

۱. این نسخه خطی به عنوان رساله دکتری در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال توسط مریم مهدی‌پناه مورد تصحیح و تحقیق علمی قرار گرفت.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

۳. واکاوی مفهوم معجزه از دیدگاه فناری

معجزه از دیدگاه فناری و تفاوت آن با برخی از واژه‌های کرامت و ارهاص در بندهای زیر از نظر می‌گذرد.

۳-۱. معجزه و تفاوت آن با دیگر امور خارق‌العاده

بطور کلی اعجاز، مصدر باب افعال از (ع ج ز) است. چنانکه ابن فارس می‌گوید: «عجز» کلمه‌ای صحیح از دو ریشه است یکی بر ضعف و ناتوانی و دیگری برآخر هر چیزی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۶۱۰) افزون بر این اساس «اعجاز» در لغت به معنای ناتوان ساختن کسی یا چیزی است که موجب می‌شود آن چیز یا آن کس، به تاخیر افتد و به آخر رود بنابراین «معجزه» اسم فاعلی است که در آن مفهوم مبالغه نهفته است. به عبارت اخری اعجاز در لغت به معنای ناتوان یافتن هم استعمال شده است (شرتونی، ۷۴۷/۲).

معجزه اصطلاحی کلامی است که نوعا اینگونه تعریف می شود که: «امری خارق‌العاده همراه با تحدی و سالم از معاضه که خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می‌آورد تا نشانِ رسالت وی باشد» (نکـ : فاضل مقداد/ ۶۱ ، فخر رازی/ ۴۸۹؛ حلّی/ ۴۷۴؛ حاجی خلیفه/ ۴۷۴ـ۴۷۵؛ طوسی/ ۳۵۰).

ابن فناری در بحث اعجاز کتاب «عین‌الاعیان» معجزه را اینگونه تعریف کرده است: معجزه در لغت از اعجازاست و در اصل دیگری را ناتوان از کاری یا رایی کردن است و این کلمه مونث شده به اعتبار اینکه معجزه صفتی برای خصلت است و إعجاز و معاجزه و تعجیز به معنای سبقت گرفتن بر فردی در مساله‌ای است، به طوری که از او فوت گردد، مانند کلام خداوند متعال در آیات شریفه زیر: «**وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ**» (یونس، ۵۳) ابن فناری در مورد این آیه تصریح می کند که در این آیه معجزّین هم قرائت شده از ریشه تعجیز، یعنی سبقت گیرنده بر ما، فوت کننده از ما! همچنین فناری به آیه «**وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ**» (سباء، ۳۸) نیز استناد می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

فناری در مورد تعریف معجزه در نسخه خطی عین الاعیان چنین توضیح می‌دهد که معجزه آن است که مدعی نبوت، دیگران را به معارضه بطلبد. با به معارضه طلبیدن از اینکه شخص دروغ گو معجزه‌ای را که در گذشته بوده، حجت برای خود به حساب آورد، دوری جسته است و با این قید از «ارهاص» نیز متمایز می‌گردد. ارهاص واقع شدن امر خارق‌العاده است، به عنوان مقدمه‌ای که بر بعثت پیامبر در آینده دلالت می‌کند و از کرامات است و با سحر و شعبده و فریفتن از راه‌های هندسی مانند بلند کردن اجسام سنگین و شناخت آن چه که مردم قواعد آن را نمی دانند، متفاوت است (فناری، ۳۱).

بدین ترتیب از نظر فناری در عرف شریعت، معجزه امر خارق‌العاده‌ای است که همراه با تحدی باشد بدون اینکه با آن معارضه شود. پس امر خارق‌العاده اعم است از انجام کار غیر معمول و نفی کار معمول. و منظور از همراه با تحدی بودن، در لغت جدال و منازعه است مانند کلام خداوند متعال که می‌فرماید:

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (البقره، ۲۳)

فناری به عین‌المعانی استناد می‌کند و تعریف صاحب عین‌المعانی را آورده است. معجزه: یا به وجود آوردن شئ معدوم است مانند ناقه صالح که به دعاء حضرت صالح موجود شد و یا از بین بردن موجود است مانند شفا دادن کور مادرزاد و شخص دارای برص به دعاء حضرت عیسی، یا تغییر دادن حالت موجود است مانند تغییر یافتن عصای موسی به اژدها (فناری، ۳۲).

پی جویی‌های تطبیقی نشانگر آنست که دیدگاه فناری در مورد معجزه به دیدگاه سایر دانشمندان علوم قرآنی نزدیک است. برای نمونه جلال الدین سیوطی معجزه را چنین تعریف می‌نماید: «امر خارق للعاده، مقرون بالتحدّی، مصون عن المعارضة» (سیوطی، الاتقان، ۱۳/۴) ملااحمد نراقی در تفاوت معجزه با سایر امور، وجوهی را به عنوان نظریه خود ابراز می‌نماید: «المعجزة الخارق للعاده المقروق بالتحدی المطابق للدعوی و المطلوب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

الخصم الغیر المقصور علی واحد او امور خاصه و لا المترتب علی سبب ظاهر» (نراقـی،۵۳) آیۀ الله خوئی در تعریف معجزه می‌آورد: «ان یأتی المدعی من المناصب الالهیة بمـا یخـرق نوامیس الطبیعة و یعجز عنه غیره شاهدا علی صدق دعواه» (خویی، ۱۳۳).

با بررسی اقوال متأخرین این نکته به دست می آید که نظرات بزرگانی چون سـیوطی و آیت الله خویی و نراقی مویّد تعریف فناری از معجزه می‌باشد.

۳-۲. ارتباط کرامت و معجزه از نظر فناری

از نظر فناری کرامت بر دو نوع است: اول: کرامت بین عبد و پروردگار که از هدیه‌هایی است که فرشته مقرب و پیامبر مرسل توانایی آن را ندارد، و این کرامت، حق حقیقی اسـت که احدی جز خداوند متعال از آن اطلاع ندارد، و عبد در میان محبین، کرامت و آن چه کـه مربوط به رسیدن به حق است را افشا نمی کند. دوم: کرامتی است که مخلوقین از آن اطلاع دارند و این از جنس خرق عادت است که شبیه معجزه است (فناری/۳۲).

فناری معتقد است که معجزه و کرامت دارای تفاوتهایی است که از آن جمله مـی تـوان گفت: معجزه مخصوص به شخصی است که ادعای نبوت دارد. همچنین بقای معجزه پیوسته با اراده و خواست پیامبر است، مثلا شفای کور ممکن است تا ابد بماند ولـی اژدهـا شـدن عصا از بین برود. و نیز آشکار کردن معجزه می‌تواند جایز یا واجب باشد ولی مخفی کـردن کرامت واجب است. افزون بر این معجزه بستگی به درخواست و طلب کردن مـردم نـدارد. همچنین معجزه به جهت رضایت درخواست کننده نیست. علاوه بر این فناری معتقـد اسـت معجزه خالص از فضل الهی سرچشمه می‌گیرد و قدرت بنـده در آن تـاثیری نـدارد. و نیـز معجزه با بیان کردن باطل نمی‌شود ولی کرامت با بیان از صاحب کرامـت دور مـی‌شـود. او همچنین می‌گوید صاحب کرامت بیم آن دارد که مشمول استدراج شود ولـی پیـامبر نـه. و همچنین نایب کردن در معجزه ممکن است ولی در کرامت خیر مانند اینکه حضرت عیسـی شمعون صفار را در زنده کردن مردگان نائب گردانید. فناری تصریح می کند که احتجاج بـه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

وسیله معجزه حجت بر علیه مشرکین است و کرامت برای خود صاحب کرامت حجّت است تا اصلاح گردد و برای قلب اوست تا مطمئن گردد (فناری، ۳۲). لازم به ذکر است که در تفسیر عین الاعیان فناری از قول صاحب بصائر چنین می‌گوید: «کرامت باقی نمی‌ماند و مخفی کردن آن واجب است و با اظهار آن و روی گرداندن از عمل مورد رضایت باطل می‌گردد؛ و گاهی متوقف است بر دعاء و تضرّع، و گاهی شخص از ظاهر کردن کرامت ناتوان می‌گردد» (سمرقندی، ۵۲۳)، و با توجه به اینکه نقدی بر این تعریف وارد نکرده است، در نتیجه نظر فناری موید نظر صاحب بصائر است.

در سخنی گزیده چنین می‌توان گفت که از نظر شمس الدین فناری تفاوت مهم میان این دو، مخصوص بودن مدّعی نبوت به معجزه است، چرا که اگر ولی ادعا کند که نبی است، دروغ‌گو است و دروغ‌گو نمی‌تواند ولی خدا باشد.

۳-۳. ارتباط ارهاص و معجزه از نظر فناری

چنانکه لغویان گفته‌اند ارهاص در لغت به‌معنای «اثبات» و «اصرار» از ریشه «ره‌ص» (تأسیس بنیان، ساختن رگه‌زیرین بنا) (ابن منظور، ۳۴۳/۵) و «رِهص» (شالوده، چینه و بنیان) آمده است (جوهری ۱۰۴۲/۳). در مورد مسئله ارهاص فناری معتقد است که ارهاص واقع شدن امر خارق العاده‌ای است، به عنوان مقدمه‌ای که بر بعثت پیامبر در آینده دلالت می‌کند و از کرامات است و با قید نداشتن مخالف، از سحر و شعبده و فریفتن از راه‌های هندسی مانند بلند کردن اجسام سنگین و شناخت آن چه که مردم قواعد آن را نمی دانند، دوری جسته است. به کوتاه سخن از نظر فناری تفاوت ارهاص با معجزه در این است که ارهاص، پیش از زمان دعوت و بدون تحدّی (مبارزه‌طلبی) است. از نظر فناری ارهاص از کرامات است.

۳-٤. دیدگاه فناری در مورد معجزات حسی و عقلی

خداوند حکیم، معجزات انبیاء را چنان قرار می‌داده که هر کدام از معجزات در آن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

شرایط زمانی و مکانی، قوی ترین اثر را داشته باشد. معجزه هر پیامبری باید متناسب با علم و هنر رایج در آن زمان باشد تا امتیاز و برتری اعجازآمیز آن بر آثار بشری به خوبی درک شود. بنابر این از یک منظر می توان معجزه را به دو گونه معجزه حسی و معجزه عقلی تقسیم کرد. قبل از بررسی دیدگاه فناری لازم به نظرمی رسد که معجزات حسی و عقلی به اختصار معرفی شوند.

معجزه یا حسی است که با حواس درک می‌شود مانند طوفان نوح و سرد شدن آتش بر ابراهیم و عصای موسی و یا عقلی است که با بصیرت و درون نگری درک می‌شود، مانند خبر دادن از غیب و بیان حقائق علوم بدون یادگیری. معجزه حسی تاثیر بیشتری بر عوام دارد و برای آن‌ها سریع‌تر قابل درک است، لکن کسی بین معجزه و سحر و مانند آن فرق نمی‌گذارد مگر اینکه دارای وسعت علم باشد که این امور بوسیله آن شناخته می‌شود. اما معجزه عقلی را جز دانشمندانی که مخصوص به هدایت الهی و عنایت ازلی هستند؛ درک نمی‌کنند.خداوند متعال اکثر معجزات بنی‌اسرائیل را به خاطر کندبودن ذهن شان و کم بودن بصیرتشان حسی قرار داده و بیشتر معجزات این امت به خاطر زیادی ذکاوت شان عقلی است و به این خاطر که این شریعت در طول زمان باقی است و آن چه که پیامبر ما از معجزات حسی آورد مانند شکافتن قمر که راوی آن انس است، سلام دادن سنگ، جوشیدن آب از میان انگشتانش (قاضی عیاض؛ ۲۸۶/۱)، و ناله تکه درخت (قاضی عیاض؛ ۳۱۸/۱) و شهادت گوسفند مسموم، که راوی این چهار مورد جابر است و شکایت شتر از کثرت عمل و کمی علف (قاضی عیاض؛ ۳۱۲/۱)، به روایت یعلی بن امیه، و غیر این‌ها که اهل حدیث در کتب دلایل نبوت مانند "الشفاء" و "الوفاء" جمع‌آوری کرده‌اند.

اما درباره معجزات عقلی می‌توان گفت: هر کس در آن حکمت هایی که پیامبر با مختصرترین عبارت و لطیف‌ترین اشارت آورده است و صاحبان خرد از تفکر در آن عاجزند، تفکر کند، و از این حقایق لطیف و نکته‌های شریف اطلاع پیدا کند، قطعاً خواهد دانست که این‌ها نشان از قدرت الهی و حکمت ربانی است. یکی از چیزهایی که خداوند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

متعال پیامبر (ص) را به آن مخصوص گردانیده قرآن مجید است کـه از نـزد حکـیم حمیـد نازل شده، کتابی که بیانش منتشر شـونده و برهـانش قـاطع اسـت، کـه بـا آن، کسـانی از سخنوران را که تحدی کردند، ساکت کرد و با آن عرب اصیل را با کلام خداوند متعـال: «و **إن کنتم فی ریب**» (البقره، ۳۲) به معارضه طلبید پس از آوردن چیزی که با آن مقابله کند و مساوی باشد عاجز شدند، چگونه با آن مقابله کند؟ هـر چنـد کـه آن‌هـا امیـران سـخن و سروران تکلم بودند و تمام تلاش‌شان را برای خاموش کردن نور قرآن و مخفی کردن آن به کار بستند، هنگامی که گفتند: به این قرآن گوش ندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنیـد و گفتند: اگر بخواهیم مثل این قرآن را می‌گوییم، امّا اگر با قرآن معارضه می‌شد، قطعا نقـل می‌گردید، چرا که انگیزه‌ها برای نقل چیزی که دقیق و بالاست، بسـیار اسـت. کتـاب‌هـای بسیاری در طعن بر اسلام تالیف شده و متداول گردیده اسـت و در آن معارضـه ایشـان بـا اسلام نقل گردیده، ولی نقض قرآن نقل نگردیده، این دلالـت مـی‌کنـد بـر اینکـه بـا قـرآن معارضه نشده است.

فناری در اینجا به تحلیل ماهیت معجزه با رویکرد عرفانی پرداخته که همـین موضـوع تفاوت تحلیل او را با سایر دانشمندان نشان می‌دهد وی در ابتدا به نقل از صـاحب بصـایر می‌گوید: «هر معجزه‌ای که برای سایر انبیاء بوده است، مثل آن برای پیامبر ما هـم موجـود بوده است، و ظاهر کردن آن‌ها در اختیار او بوده اسـت. وی در ادامـه بیـان مـی‌دارد ایـن مطلب هر چند بعضی از آن با روایت‌های واحد، نقل شده مثـل سـخن گفـتن حضـرت بـا گوسفند مسموم سرخ شده و تسخیر شیطان و بستن او به استوانه مسجد، سپس خالی کردن مسجد با یاد کردن از دعاء برادرش سلیمان، لکن براهین حقیقیه و عقلیه در صـحت آن‌هـا وجود دارد که به بعضی از آن‌ها در فکوک اشاره شده است». (فناری/۳۴).

اینکه هر پیامبری که ظاهر کننده اسمی از اسماء حق است، همانا نبـوت یـا رسـالت او معین می‌گردد و به حق از حیث آن اسم تکیه می‌کند، این شان هر موجـودی اسـت، پـس همانطور که بین اسماء تفاوت در حکم و حیطه وجود دارد، بین انبیاء و اولیاء نیـز تفـاوت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

وجود دارد و نهایت امر ایشان اینست که ارتباط شان به حق منتهی می‌شود تا بـه تعـیّن اول کـه دربرگیرنده همه تعیّنات است و بعد از احدیت ذاتی قرار می‌گیرد، برسد و شان پیامبر مـا(ص) و کاملان از وارثان او تعیّن اول است که با شان دیگران متفاوت است.[1] (فناری/۳۴)

اینکه آیات هر پیامبر محکم کردن اسمی است که رسالت و نبوت او به آن مستند اسـت و بوسیله این درجات انبیاء واولیاء و مراتب آن‌ها مختلف می‌شـود، همـانطور کـه خداونـد متعال می‌فرماید: «**تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ**» (البقـره، ۲۵۳)، و لکـن برتـری از جهت خود رسالت نیست، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «**لاَ نُفَـرِّقُ بَـیْنَ أَحَـدٍ مِّـن رُّسُـلِهِ**» (البقره، ۲۸۵) ـ به خاطر یکی بودن رسالت از جهت حقیقت آن که به خداوند متعال مرتبط است ـ بلکه تفاوت در محل ورود از اسماء است که از جهت حکم، حیطـه و قـوت تـاثیر متفاوت است، و اسماء بعضی خادم بعض دیگراند، به همین خاطر در مراتبی مانند اجنـاس و انواع و اشخاص متفاوت است (فناری، ۳۴). مبدا حکم خداوند متعـال در خلـق و محـل شروع تعلق حکم خداوند متعال به مخلوقات، علم ازلی ذاتی است که صورت‌هـای معلـوم خود را به یک طریقه متعین می‌کند و او سبب در ایجاد موجودات است و قضاء و قدر تابع علم خداوند متعال به آن صورت‌هاست آنگونه که حقائق آن اقتضاء می‌کند.

از دیدگاه فناری چنین برداشت می‌شود که از آن جا که مبدئیت با علم ثابت می‌شـود و آب مظهر علم است، از جهت حکمت لازم می‌آید که نشانه اولین پیـامبر بـر اسـاس علـم خداوند متعال آب باشد، مانند طوفان نوح[2] و از آن جایی که کلام صورتی از صورت‌هـای علم یا نسبتی از نسبت‌های علم است، درب تاثیر حق در خلق گشوده می‌گـردد و از علـم به عین ظاهر می‌شود و اثر آن در دنیا و آخرت استمرار می‌یابد لذا نشانه پیامبر(ص) کـلام بود، همانطور که حکم خداوند تمام موجودات را به صورت واحد با قلم اعلی تقـدیر کـرده که این تقدیر با این کلام است: علم خود را در مورد مخلوقاتم تـا روز قیامـت مـی‌نگـارم

---

۱. کلام فناری و اشاره وی به کاملان وارثان پیامبر که در این زمینه به حدیث قیامت نیز اشاره دارد، ناظر به ائمه است.

۲. با توجه به این مسئله فناری اولین پیامبر را نوح می‌داند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

(سیوطی، درالمنثور ۴۷۱/۸).

به عقیده فناری ظاهر شدن شکافتن ماه به صورت تصرف در آن، رازش این اسست که فلک قمر، اگر چه کوچکترین فلک از حیث جرم است ولـی از حیـث حکـم جـامع‌تـرین آن‌هاست؛ چرا که در آن نیروهای سائر آسمان‌ها و توجه ملائکه جمع می‌گردد و سـپس از آن‌جا بر این عالم و اهل آن توزیع می‌گردد پس پیامبر ما که آخرین رسـول و جـامع‌تـرین آن‌هاست، در آخرین فلک و جامع ترین آن‌هـا تصـرف کـرده اسـت و بـه همـین خـاطر کلیدهای گنجینه زمین و آسمان به او داده شده همانطور که به این مطلب پـنج روز قبـل از رحلتش خبر داد. (فناری/۳۵) و اینکه: شرف هر پیامبری از حیث معجزات و نشانه‌هـا بـه رتبه آن پیامبر نسبت به پیامبر خـاتم اسـت. معجـزات حضـرت ابـراهیم پـس ازحضـرت محمد(ص) از نظر تعداد به سایر انبیاء برتری دارد و بزرگترین معجزه ایشان در مخصـوص بودن او به ساختن کعبه است زیـرا زمـین محـل خلافـت و کعبـه صـورت حضـرت حـق است(فناری/۳۴).

از نظر فناری اینکه پیامبر ختمی مرتبت از نظر کمالات و رتبه در اعلی درجـات قـرار دارد. در کلام ایشان در حدیث قیامت در مورد بـاز کـردن درب شـفاعت و اینکـه پیـامبر جانب راست عرش می‌ایستند که هیچ یک از عالمیان آن‌جـا نایسـتاده (احمـد بـن حنبـل، ۳۸۸/۱۹) و این‌که فرمودند من در روز قیامت آقای مردم هستم (بخـاری، ۶/ ۸۴) بـارز و صادق است چرا که قاعده این است که هر کمالی که انسان در این نشئه بـه دسـت نیـاورده باشد، بعد از مرگ هم برای او حاصل نمی‌شود، پس این کمالات برای پیامبر حاصـل شـده ولی به خاطر حکمتی که این دنیا اقتضاء می‌کند آن را پوشانده و در روز قیامـت کـه عـالم کشف و آشکارشدن اسرار و زمان مباهات است، ظاهر می‌گردد.

٤. وجوه اعجاز از دیدگاه فناری

در این بخش به وجوه اعجـاز از نظـر علمـاء و دو رویکـرد فنـاری در مـورد اعجـاز

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

پرداخته می‌شود.

طبق نظر جمهور علماء از عامه و خاصه و از جمله آنها شیخ مفید، اعجاز قرآن؛ مربوط به فصاحت فوق‌العاده و بلاغت در حد اعلی و همچنان، اشتمال قرآن بر اخبار غیبی و مطالب دقیق علمی و احوال مبدأ و معاد است (نکـ : مجلسی، ۲۲۴/۱۷). شیخ مفید و سید مرتضی وجه دیگر اعجاز را صرفه می‌دانند.[۱] (نکـ : سید، مطالب مندرج در تمهید الاصول شیخ طوسی، ۱۳) راوندی دیدگاههای رایج میان علماء مسلمان در مورد اعجاز قرآن را در چند بخش خلاصه کرده و چنین می‌نویسد که مسلمین، متفق هستند که قرآن معجزه پیامبر است، ولی متکلمین مسلمان، در بیان وجه اعجاز قرآن، با یکدیگر هم‌رأی نیستند و لذا ایشان به آراء آنها پرداخته و هفت‌رأی را به شکل ذیل نقل می‌نماید: ۱- قول به صرفه؛ ۲- قول به فصاحت خاص قرآن، زیرا مراتب فصاحت و بلاغت امری محصور و محدود است و قرآن مربوط به فراتر از آن حد بوده است. ۳- اعجاز مربوط به محتوی و معانی صحیح قرآن که مورد تأیید عقل نیز است. ۴- دوری قرآن از تناقض و تزلزل؛ ۵- اخبار غیبی قرآن؛ ۶- نظم مخصوص قرآن؛ ۷- تألیف و نظم قرآن در کنار هم؛ ایشان در پایان ذکر وجوه اعجاز، بیان می‌دارد که هریک از وجوه مذکور می‌تواند، ارزشمند و قابل قبول باشد. (راوندی؛ ۹۸۱-۹۸۲) شایان توجه آن است که دیدگاه ها و نظرات گوناگونی در میان علماء در مورد وجوه اعجاز مطرح است که پرداختن به همه آنها مجالی گسترده می‌طلبد (نکـ : راوندی، ۹۷۱/۳؛ رمانی، ۲۲؛ زملکانی، ۵۶؛ زرکشی، ۹۳/۲-۱۰۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که فناری در تفسیر خود در مورد اعجاز نسبت به علمای قبل از خود دو رویکرد جدید دارد. از نظر فناری اعجاز قرآن بر دو صورت است: نخست اعجازی که متعلق به خود قرآن است؛ و دوم اعجازی که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت (فناری، ۳۳).

---

۱. خداوند، پس از تحدی در مبارزه‌طلبی برای آوردن مانند قرآن، فصحاء و بلغاء را از آوردن به مانند آن، عاجز نمود و آنها را گرچه می‌توانستند که به مانند قرآن را بیاورند، از آن کار بازداشت و از قدرت آنها کاست.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

در ادامه هریک از این وجوه مورد بررسی قرار می گیرد.

٤-١. اعجاز قرآن با توجه به ویژگیهای ظاهری قرآن

بیان شد که فناری در گام نخست اعجازی را معرفی می کند که متعلق به خود قرآن است. به دیگر سخن اعجازی مورد نظر فناری است که مربوط به صورت قرآن است، یعنی نظم مخصوص قرآن از حیث فصاحت و بلاغت آن را در برمی‌گیرد، یا اینکه از حیث ماده مربوط به معنای آن است؛ چرا که ماده قرآن الفاظ است و الفاظ قرآن همان الفاظ مورد استفاده مردم است خداوند متعال می‌فرماید: «قُرْآنًا عَرَبِيًّا» (یوسف، ۲) و یا می‌فرماید: «الم ذَلِکَ الْکِتَابُ» (البقره، ۱-۲) برای اشاره به یکی بودن عنصر و اینکه قرآن نظم یافته به همان چیزی که کلام مردم نظم می‌یابد. در این راستا فناری بیان می کند که نظم قرآن پنج مرتبه دارد:

اول: نظم در صرف، که همان نظم حروف ساده برای به دست آوردن کلمات سه گانه است؛ دوم: نظم نحوی است، که همان نظم کلمات است برای به دست آمدن جملات مفید که نثر نامیده می‌شود؛سوم: نظم جملات به طوری که شامل مبادی و مقاطع است، که نظم و مُنشأ نام دارد، که دو قسم است: محاوره یا خطابه و مکاتبه یا رساله. چهارم: اینکه در نظم، صنایع بیانی و بدیع لحاظ شده باشد که مصنوع نامیده می‌شود؛پنجم: اینکه وزن لحاظ شده باشد (فناری، ۳۳).

توجه به این نکته ضروری است که انواع کلام از این اقسام خارج نیست و قرآن جامع زیبایی‌ها است. گرد آوردن قرآن به گونه‌ای که بشر با آن پیوند دارد نیست، و برای تذکر به این مطلب قرآن فرمود: «وَ إِنَّهُ لَکِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» (فصلت، ۴۱-۴۲). در قرآن شعر به کار نرفته، در حالی که رتبه موزونی دارد که بالاتر از رتبه منظوم است و این به خاطر راز لطیفی است، که قرآن منبع حق و محل جمع شدن صدق است، اما بالاترین کاری که شاعر به صورت معمول انجام می‌دهد، نشان دادن باطل به صورت حق است با زیاده روی در مدح یا مبالغه در ذم و ناراحت کردن مخاطب خود و موید این کلام آیه: «وَ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

الشُّعَرَاء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (الشعراء، ۲۲۴) می‌باشد. به همین جهت است که پیامبر(ص) فرموده: شکم فردی از زخم جراحت پر شود بهتر است از اینکه از شعر پر گردد (بخاری، ۳۶/۸) در عرف هم آمده: زیباترین شعر دروغ ترین آن است. و اصحاب نظر، برهان تالیف شده از تخیلات که در اکثر موارد باطل می‌گردد را شعر می‌نامند.

در توضیح این مطلب فناری عنوان می‌دارد به این خاطر که نظم شعری به خودی خود از مراتب کمال نظم است، قرآن از آن خالی نیست؛ مانند کلام خداوند متعال: «**صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**» (ألاحزاب،۵۶) که مناسب بحر کامل است، ولی بحر کامل نیست، و «**لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُواْ**» (آل‌عمران، ۹۲) که مناسب رمل است، و «**فَمَن شَاء فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاء فَلْيَكْفُرْ**» (الکهف، ۲۹) که مناسب طویل است، و غیر از این‌ها که در عروض مفتاح سکاکی ذکر شده است. پس قرآن از نظم شعری ـ نظم لازم عرفی شعر ـ که همان دروغ می‌باشد و به صورت متعارف مذموم است منزه می‌باشد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «**وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ**» (الحاقة، ۱۴) «**وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ**» (یس، ۶۹)

گرچه نظم عرفی شعر نیز از آن جهت که بر محتوای شعر دلالت می‌کند مذموم است اما قرآن که محتوا و معنای آن معارف الهی و بیان مبدا و معاد و خبر دادن از غیب‌هایی که گذشته و پیش‌رو است، از دروغ و نقص و آن چه که عقل‌های ساده[1] می‌پسندند، خالی است، اخبار سابق مانند قصه‌های قرآنی و اخبار آینده مانند کلام خداوند متعال: «**الم غُلِبَتِ الرُّومُ**» (روم، ۱-۲) و همانطور که خبر داده بود، اتفاق افتاد و کلام خداوند متعال: «**إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ**» (قصص، ۸۵) مخاطب پیامبر است و مراد از معاد مکه است.

فناری در پاسخ به این پرسش که اگر در معانی، عجم و عرب و شهرنشین و روستانشین مشترک‌اند[2]، پس اعجاز آن کجاست؟ می نویسد: ما قبول نمی‌کنیم که معانی مخصوصی که در قرآن استفاده شده را همه می‌دانند، بلکه آن چه که مشترک بین طوایف

---

۱. تعریف فناری از عقل‌های ساده"یعنی آنچه که مردم عوام بدون تعلیم وتعلم وپرده برداشتن متوجه نمی‌شدند."
۲. المشترک بین الطوایف الأربعة.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

چهارگانه است یعنی معانی به صورت مطلق قابل فهم همگان است نه کلام ذکر شده در قرآن که هر کس فراخور حال خود از آن بهره می‌برد.

٤-۲. اعجاز قرآن از باب صرفه

مسئله‌ی دیگری که فناری به آن پاسخ داده آنست که اعجاز در قرآن از جهت عدم تعلیم وتعلم است نه از آن جهت که قرآن است! وی در پاسخ به این نکته می نویسد اطلاع از حقایق الهی و غیبی، کسانی که اهل تعلیم و تعلم‌اند نیز از آن مطلع نمی‌شوند، این یک معجزه است و این که قرآن خود بدون تعلیم و تعلم بر شخص نبی اکرم نازل شده نیز یک معجزه دیگر است. اما اعجاز متعلق به برگرداندن مردم از معارضه با قرآن، این است که هیچ صنعت خوب یا بدی نیست مگر اینکه بین آن و گروهی مناسبت‌های ویژه‌ای وجود دارد، لذا هر فردی حرفه‌ای را می‌پسندد و سینه او با تمرین آن صنعت گشاده می‌گردد، همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «**قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ**» (إلاسراء، ۸۴)، «**لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا**» (المائدة، ۴۸). توضیح اینکه هنگامی که عرب‌های اصیل از خطیبان و بلیغان که در هر وادی‌ای از سخن‌های گوناگون وارد می‌شوند و به روانی زبانشان اهمیت می‌دهند،هنگامی‌که برای معارضه با قرآن دعوت شدند، نتوانستند در برابر قرآن بایستند، صاحب خردان آن‌ها متوجه شدند که یک وجود الهی آن‌ها را از این کار بازگرداند و چه اعجازی بالاتر از اینکه همه افراد بلیغ متحیر مانده‌اند از اینکه در ظاهر یا باطن با کوچکترین سوره قرآن معارضه کنند.

۵. نتایج مقاله

در این پژوهش با واکاوی نسخه خطی تفسیر عین الاعیان به بررسی مفهوم معجزه پرداخته شده و نتایج زیر حاصل به دست می‌آید:

۵-۱. اقسام اعجاز قرآن از دیدگاه فناری در دو جنبه مختلف بررسی می‌شود. جنبه اول که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

مربوط به خود قرآن است و در نظم و مفاهیم آن تجلی می‌یابد و دوم اعجـازی کـه متعلـق بـه برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است، نه از خود معارضه با وجود قدرت.

۵-۲. اعجاز نظم قرآن در دیدگاه فناری خود به ۵ مرتبه تقسیم‌بندی می‌شود. جنبه دوم اعجاز قرآن، اعجازی است که متعلق به برگرداندن مردم از قدرت معارضه با قرآن است نـه از خود معارضه با وجود قدرت چنان‌که برخی علما صرفه را این‌گونه تعریف کرده‌اند.

۵-۳. در مقایسه اعجاز انبیاء الهی، فناری هر پیامبری را ظاهر کننـده اسـمی از اسـماء الهی می‌داند که با توجه به رتبه آن پیامبر در معجزه وی تجلی می‌کند چنان‌که پیامبر ما کـه خاتم پیامبران و اشرف ایشان بوده، ظاهر کردن معجزات همـه پیـامبران در اختیـار ایشـان بوده است.

۵-۴. فناری نسبت به سایر علماء در بحث اعجاز دارای دیدگاه‌های جدیدی است. این اندیشه نو در موضوعاتی مثل تعریف معجزه، تحلیل عرفانی معجزه، واکاوی مؤلفه‌های نظـم تفاوت معجزه آن با کرامت و ارهاص، بروز و ظهور یافته است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه: محمّد مهدی فولادوند.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.

۳. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۶۹ م.

۴. ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۵. ابن منظور، محمّد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

۶. امینی‌نژاد، علی، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم ، موسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۶ ق.

۸. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.

۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.

۱۰. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۲.

۱۱. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء للطباعة، ۱۳۹۵ ق.

۱۲. رمانی، علی بن عیسی، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، قاهره، دارالمعارف، ۲۰۰۸.

۱۳. زرکشی، ابوعبدالله محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۶ق.

۱۴. زملکانی، عبدالواحد بن عبد الکریم، المجید فی اعجاز القرآن المجید ، قاهره، دار الثقافة العربیة، ۱۴۱۰.

۱۵. سکاکی حنفی، سراج الدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، مفتاح العلوم، نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ وزیری یزد، ش۳۳۹۵، ۷۰۱ ق.

۱۶. سمرقندی أبوالليث، ابراهیم، تفسیر السمرقندی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ ق.

۱۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۶.

۱۸. همو، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، مکتبة آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱۹. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.

۲۰. طاشکبری زاده، الشقائق النعمانیه علمائ الدولة العثمانیة، بیروت، دارالکتب العربی، بی‌تا.

۲۱. طوسی، محمد بن حسن، تجرید الاعتقاد، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۷.

۲۲. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۲۳. همو، تمهید الاصول فی علم الکلام ، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۸.

۲۴. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله، شرح باب حادی عشر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۲۵. فخررازی، محمد بن عمر، المحصل، عمان، دار الرازی، ۱۴۱۱.

۲۶. فناری، نسخه خطی عین الاعیان، کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲۷. قاضی عیاض، ابوالفضل، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

۲۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبهٔ الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، النکت فی مقدمات الاصول من علم الکلام، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، سیف الامهٔ و برهان الملهٔ ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۲. یزدان پناه، یدالله، مبانی و اصول عرفان نظری، قم ، موسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۹۲.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.9.5]
[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-06]